فهرست

[مقدمه 2](#_Toc119754698)

[احتمال اول 2](#_Toc119754699)

[احتمال دوم 4](#_Toc119754700)

[احتمال سوم 7](#_Toc119754701)

[اولین شاهد 7](#_Toc119754702)

[دومین شاهد 8](#_Toc119754703)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / نکاح

# مقدمه

بحث در جو ازنظر به محارم و حدود جو ازنظر بود در مسئله حداقل چهار قول بود که ملاحظه کردید و بعد وارد ادله شدیم و گفتیم هر یک از ادله‌ای که در اینجا ممکن است مورد استدلال قرا بگیرد بحث کنیم و حدود هر یک از ادله ازنظر انطباق با یکی از این چهار قول مشخص شود اولین دلیل آیه 31 سوره نور بود که در عداد آن احکامی در دو سه آیه در این سوره بیان‌شده این آیه شریف را ملاحظه کردید **﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾** برای بررسی وجوه دلالت این آیه باید جهاتی را متعرض شویم و سه جهت را بحث کردیم و رسیدیم به نکته چهارم که نکته کلیدی و اساسی در استدلال به آیه است و آن نکته این بود که مراد از زینت چیست دو بار در این آیات تعبیر زینت آمده است **﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا و در وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ﴾** دو بار در آیه تأکید شده است بر عدم ابداع زینت برای زن‌ها و در هر دو جا یک استثنا واردشده است در اولی استثنا إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا که استثنا از خود زینت است زینت‌های خود را اظهار نکنند مگر زینت‌های مکشوف و ظاهر را و در دومی استثنا از کسی است که این زینت در برابر او اظهار می‌شود اولی استثنا از خود زینت است دومی استثنا از کسانی است که این ستر و کشف بخواهد برای آن‌ها انجام شود در اولی می‌فرماید **﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾** الا زینت آشکار و در دومی می‌فرماید وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ الا برای طوایف چندگانه‌ای که عبارت‌اند از محارم.

زینت که دو بار واردشده چه معنایی افاده می‌کند و مراد چیست. در اینجا دو سه احتمال وجود دارد

# احتمال اول

مراد از زینت همان زینت عارضی و ثانوی و منصوبه بر اعضا باشد که ممکن است احیاناً ادعای تبادر به این معنا شود زینت ما یُتزیِّنُ به است مفهوم زینت همان حسن و جمالی است که چیزی به چیز دیگری می‌دهد این حالت نسبیت در معنای زینت مأخوذ است. یک‌وقت میگوییم این شیء حسنٌ جمیلٌ،که توصیف شیء به وصف خودش است ولی در زینت اضافه‌ای وجود دارد زینت چیزی است که به چیز دیگر جمال می‌بخشد. میگوییم این زینت برای آن‌ها است، زینه مقابل شینه، مفهوم اضافی است چیزی که قاعدتاً جمال و زیبایی دارد به دیگری زیبایی می‌دهد. این زیبایی شئی به شی‌ء دیگر عطا می‌کند زینت نام دارد حسن و جمالی که چیزی به چیز دیگر می‌دهد مثل لباس و نقش و رنگ و ... این‌ها همه درجایی است که چیزی به چیز دیگر زینت می‌بخشد. زانَهُ یعنی به او زینت می‌بخشد یعنی جمال و حسن و زیبایی به دیگری می‌بخشد این مفهوم زینت است منتها برای توضیح مسئله باید توجه کرد که زینت گاهی امری است که ملحق به شیء می‌شود و ترکیب بین زینت و متزین ترکیب انضمامی است چیزی در کنار چیز دیگر قرار می‌گیرد عارض بر آن می‌شود و حالت عرض و ثانوی دارد مثل‌اینکه زیورآلاتی که زن منصوب می‌کند یا زیورآلاتی که به درودیوار وصل می‌شود این‌ها همه اموری است منضم به متزین است این‌یک نوع است یک نوع دیگر هم درجایی است که زینت ترکیب قوی‌تری با خود شیء دارد و تفکیک عرضی و معروضی و جدایی انضمامی در آن نیست مثل وقتی‌که میگوییم این صورت به این شخص زیبایی دادد این صورت جز همین ارگانیزم و بدن است این چهره یا ابرو به او زیبایی داد در اینجا زیبایی‌ها ذاتی و متصل و متحد با خود شخص است ازاین‌جهت در نسبت زینت با متزین طیفی شاهد هستیم گاهی زینت ملحق به اوست منصوب است قرار داده‌شده است و به‌راحتی می‌گذارد و برمی‌دارد و گاهی هم این زینت قوی‌تر است مثلاً او را رنگ می‌کند و گاهی از این هم قوی‌تر می‌شود و از نوع ابرو و امثال این‌ها زینت شخص است که تفکیک هم نیست و اتحاد قوی با متزین دارد تا اینجا که این قرب را توضیح دهیم این مقدمه و نکته را عرض کردیم که اولاً زینت با حسن و جمال متفاوت است چون حالت اضافی دارد و چیزی به چیز دیگر زیبایی می‌دهد و ثانیاً آن چیزی که زیبایی می‌بخشد مراتب دارد گاهی یک‌چیز کاملاً منفک و جدایی است که باهم نسبتی برقرار کرده‌اند مثل النگو دست کردن این چیزی است که می‌گذارد و برداشته می‌شود و گاهی این ترکیب قوی‌تر می‌شود تا به‌جایی می‌رسد که می‌گوید این چشم به او زیبایی داد که این جدای از او نیست و امر طبیعی در خلقت اوست این طیفی است که در زینت است.

آنچه با این توضیح می‌شود عرض این است که به‌طورکلی می‌توان در این طیف گفت زینت در انسان‌ها لااقل دو جور است یک زینت منصوبه منضمه است که در ترکیب جسمانی او نیست و کاملاً ملحق و منضم به شیء است و یکی هم زینتی است که در خود اعضا وجود دارد یعنی ظرافتُ الطف در اعضا وجود دارد که مواضع زینت است مقصود باشد.

در احتمال اول این است که بگوییم زینت یعنی آنچه ملحق به متزین می‌شود که این احتمال طبعاً ممکن است شاهدی بر آن اقامه شود بر اساس ظهور اولیه و تبادر اولیه از زینت. وقتی می‌گوید زینت زنان تبادر اولیه آن به آلاتی که به او منصوب می‌شود و منضم به اعضای خود می‌کند مراد است از زینت این تبادر و انسباق این معنا در ابتدا از زینت به دلیل این است که مقصود از زینت در آیه شریفه و آیات همین زینت‌های منصوبه و متعارف است و در این صورت در هر دو جا وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا یعنی انگشتر و گردنبند و النگو و چیزهایی از این قبیل این‌ها علی قسمین است برخی از این‌ها در مراودات عادی آشکار نیست و برخی هم آشکار است مثل انگشتر یا عینکی که ظرافتی در آن است می‌فرماید **﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾** همین چیزهایی که به‌عنوان ثانوی مورداستفاده قرار می‌گیرد آن‌ها اظهار نکند مگر آن‌هایی که در حالت طبیعی آشکار است زینت در اینجا ظاهر و باطن یعنی زینت‌های منصوب.

سؤال: در **﴿خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾** مقصود از زینت چیست؟

جواب: در اینجا هم گفته‌شده است که **﴿خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾** یعنی لباس‌های خود را بپوشید وقتی به نماز جمعه و جماعت می‌خواهید بروید لباس‌های خوبتان را بپوشید و آراسته باشید در آنجا هم منظور همین است.

ممکن است این ادعا شود ضمن این شاهد اول که ادعای تبادر و انسباق این معنا از زینت در این آیات شود و شاهد دوم این است که در روایاتی هم تطبیق داده‌شده است زینت بر همین معنای ابتدایی و زینت منضم به متزین. در وسائل الشیعه ابواب مقدمات نکاح باب 109 در این باب چند روایت دارد که برای هر یک از این اقوال می‌توان به آن‌ها استشهاد کرد و روایاتی ه م در ذیل دارد که از مستدرک است برای معنای اول به‌عنوان دومین شاهد روایاتی است که در مستدرک نقل‌شده است در مستدرک در ذیل این روایت که از محاسن است و سند محل اشکال است می‌فرماید از امام صادق نقل شد در ذیل آیه شریفه **﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾** می‌فرماید

وَ عَنْهُ ع: «فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَ‏ **﴿إِلَّا ما ظَهَرَ مِنْها﴾** قَالَ الزِّينَةُ الظَّاهِرَةُ الْكُحْلُ‏ وَ الْخَاتَمُ‏: وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى قَالَ: الْخَاتَمُ وَ الْمَسَكَةُ».[[1]](#footnote-1)

سرمه و انگشتر این زیورآلات منصوبه را به‌عنوان مراد از زینت در آیه بیان می‌کند و از این قبیل دو مورد در خود وسائل حدیث سوم همین است گرچه در قاسم بن عروه تردیدی وجود دارد ولی سندش قابل‌قبول‌تر است در این روایت هم می‌فرماید:

وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع‏ «فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ‏ **﴿إِلَّا ما ظَهَرَ مِنْها﴾** قَالَ الزِّينَةُ الظَّاهِرَةُ الْكُحْلُ‏ وَ الْخَاتَمُ‏».[[2]](#footnote-2)

روایت چهارم هم همین‌طور است که از امام صادق نقل‌شده است که

وَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ‏ **﴿وَ لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا ما ظَهَرَ مِنْها﴾** قَالَ الْخَاتَمُ وَ الْمَسَكَةُ وَ هِيَ الْقُلْبُ».[[3]](#footnote-3)‏

احتمالاً الْمَسَكَةُ گردنبند باشد. این شواهد بر مسئله است بنابراین معنای اول که زینت منضمه است دو شاهد دارد یکی معنای متبادر است یا لااقل قدر متیقن است شاهد روایی هم دارد که این دو روایت در متن وسائل ملاحظه کردید حدیث 3و4 از باب 109 و یک روایت هم از مستدرک است که در ذیل این باب ملاحظه می‌کنید.

# احتمال دوم

وجه دوم و معنای دوم در تفسیر زینت مواضع زینت ظاهری است خود اعضا و اجزا بدن مراد است از زینت و مقصود از زینت همان زینتی است که ترکیب آن با متزین اتحادی است و در یک هستی و وجود واحدی قرارگرفته‌اند و دقیقاً تعبیر مواضع زینت است وقتی فرمود **﴿لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا ما ظَهَرَ مِنْها﴾** یعنی اعضای خود را نشان ندهد مگر اعضای ظاهر که عبارت است از وجه و کفین. در این صورت این آیه می‌تواند از ادله جو ازنظر به وجه و کفین به شمار بیاید کما اینکه به این استدلال شده است و ما هم به آن اشاره کردیم. اگر زینت را به معنای دوم حمل کنیم که مواضع زینت ظاهری باشد یا به‌عبارت‌دیگر زینتی که در ذات بدن وجود دارد مقصود باشد نه زینت‌های منصوبه با این تفسیر **﴿لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا ما ظَهَرَ﴾** مِنْها دلیل جو ازنظر بر وجه و کفین است وقتی می‌گوید زینت‌های خود را آشکار نکنند یعنی بدن خود را آشکار نکنند یعنی گویا همه بدن زن یا لااقل بخش‌های مهمی از آن زینت است آن را کشف نکند مگر آنچه ظاهر است که ظاهر احیاناً وجه و کفین و بنا بر نظری قدمین باشد.

سؤال: زینت‌ها اعم از موضع هم است؟

جواب: این احتمال سوم است.

بگوییم زینت استعمال شده است در همان اعضا و مواضع زینت و مراد همین مواضع زینت است و در و**﴿َلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ﴾** مقصود همین است یعنی اعضا و جوارح خود را نشان ندهد مگر برای این چند طایفه‌ای که از محارم‌اند که برای آن‌ها ابداع مواضع جایز است.

سؤال: اگر زینت نباشد مثلاً دستی که سوخته باشد؟

جواب: شأنا این‌طور است.

اگر ما زینت را به معنای دوم گرفتیم در دایره شمول آن سؤالاتی وجود دارد مثلاً این سؤال وجود دارد که مقصود از زینت در اینجا کل بدن است یا واقعاً مواضع زینت ظاهری است چون زینت‌های ظاهری در جای خاصی وصل می‌شود مثلاً قدیم در قسمت پا بوده است با در دست است یا گردنبند است یا گوشواره است و مراد از زینت را فقط مواضع زینت بگیریم یا شبیه این‌که در آن نقل آمده است که همه بدن زن عورت است در اینجا هم ادعا شود همه بدن او زینت است که این سؤال را اگر ببینم لازم است بعداً بحث می‌کنیم.

سؤال: ...

جواب: نه مطابقی است می‌گوید زینت یعنی همین است یا میگوییم زینت در اینجا یا وضعی دارد که به نحو حقیقت می‌شود یا میگوییم تجوز و کنایه‌ای وجود دارد معنا آن است ولی به نحو کنایه و تجوز و علاقه ظرف و مظروف و مجاورتی که دارند زینت در موضع زینت به‌کاررفته است.

سؤال: پس باید قائل باشیم که حقیقت شرعیه در زینت وجود دارد؟

جواب: نه حقیقت شرعیه لازم نیست قرائنی و شواهدی باعلاقه مجاز زینت از معنای حقیقی به این معنا انتقال پیداکرده است یا معنای حقیقی زینت منصوبه است و این معنای مجازی است یا این‌که معنای حقیقی چیز مشترکی است که ما در بخش خاصی به کاربردیم بازهم کل و جز است و مجاز است این‌که بگوییم زینت معنای آن مواضع زینت است کمی مستبعد است و لذا باید بگوییم تجوزی است.

سؤال: احتمال دوم جز جو ازنظر به وجه و کفین است.

جواب: بله هست.

سؤال: جو ازنظر به وجه و کفین نیست چون وقتی موضعی که زینت در آن واقع شود یعنی اتحاد ندارد.

جواب: وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ یعنی بدن خود را کشف نکند موضع را میگوییم نه خود زینت منصوبه

سؤال: موضع همان چیزی است زینت نصب می‌شود وقتی سرمه می‌کشد چشم را هم می‌گیرد.

جواب: الا ما ظهر منها یعنی زینت‌هایی که روی صورت است نصب می‌شود چون ظاهر است اشکالی ندارد مقصود این است که موضع اعضای ظاهره داریم و اعضای باطنی ک زینت محسوب می‌شود می‌گوید اعضای ظاهر مانعی ندارد.

سؤال: ... چون معمولاً مواضع زینت وجه و کفین است کسی که در ساق پا زینت دارد.

جواب: در روایت داریم نوع لباسی که زن‌ها می‌پوشند نوعی زینت است و همین هم شاهد گرفته‌شده است که مقصود کل بدن است چون لباس خاص زن می‌پوشد که نگاه زیورآلاتی به آن دارد.

وجه دوم شواهدی دارد که عرض می‌کنیم و مهم این است که شاهد آن روایت معتبره است برخلاف آن روایت قبل که لیت و لعل وجود داشت این روایتی که به آن استشهاد می‌شود که مواضع زینت هم در آیه مقصود است معتبر است . اولین روایت باب 109 است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنِ الْفُضَيْلِ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الذِّرَاعَيْنِ مِنَ الْمَرْأَةِ هُمَا مِنَ الزِّينَةِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ‏ **﴿وَ لايُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَ﴾**‏ قَالَ نَعَمْ وَ مَا دُونَ الْخِمَارِ مِنَ الزِّينَةِ وَ مَا دُونَ السِّوَارَيْنِ».[[4]](#footnote-4)

روایت معتبره است احمد بن محمد که معتبره است و إبن محبوب هم منظور حسن بن محبوب است جمیل هم بین جمیل بن دراک و جمیل بن صالح احتمالاً اشتراکی دارد ولی هردو معتبرند و ثقه‌اند. فضیل هم همان فضیل بن یسار است که معتبر است که وقتی از دنیا رفت امام صادق بالای سرش رفتند و فرمودند فضیل منا اهل‌البیت، و تمجید خوبی از او کردند. روایت هم زیاد دارد و از روات مشهور است که فضائلی برای او ذکرشده است.

این روایت را مفصل سابق بحث کردیم الآن هم اشاره‌ای می‌کنم. سؤال می‌کند بازوهای زن هم زینت زن است؟ خود این سؤال قبل از این‌که به جواب برسیم نشان می‌دهد که در اصطلاحات و گفتگوهای متشرعه این امر مأنوسی بوده است که زینت بر خود اعضا اطلاق شود و بدون حساب‌وکتاب نبوده است که اصلاً وجهی نداشته باشد چون طرح سؤال نشان‌دهنده این است که چیزی در کار است. می‌پرسد **﴿آیا لايُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾** شامل الذِّرَاعَيْنِ می‌شود؟ این را فضیل که یک راوی بسیار جاافتاده است سؤال می‌کند و حضرت هم خیلی صریح جواب می‌دهد نعم ذراعین همان زینت است «مَا دُونَ الْخِمَارِ مِنَ الزِّينَةِ وَ مَا دُونَ السِّوَارَيْنِ». پایین‌تر از روسری مقنعه هم زینت است یعنی سینه و امثال آن و مَا دُونَ السِّوَارَيْنِ که النگو است ظاهراً زینت است که این خیلی بحث داشت. آنچه ما فعلاً به این روایت استناد می‌دهیم و در مقام استشهاد از آن استفاده می‌کنیم این است که مواضع زینت به‌عنوان زینت تفسیر می‌شود و نمی‌گوید به‌منزله آن است بلکه می‌گوید زینت شامل ذراعین می‌شود مَا دُونَ الْخِمَارِ خود اعضایی که مادون خمار است عضو است و «وَ مَا دُونَ السِّوَارَيْنِ» هم عضو است که زینت است این معتبره فضیل بن یسار است که اعضا را جز زینت و مقصود از زینت قرار داده است ممکن است این‌ها را شاهد بگیریم و احیاناً کاربرد زینت در قرآن و جاهای دیگر دلیل بر این باشد که زینت زینتی است که با متزین یکی است و الا زینت‌های ثانوی دست‌دوم است آنچه زینت واقعی است در درون منظومه قرارگرفته است **﴿إنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ﴾**[[5]](#footnote-5) **﴿و زُيِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ﴾**[[6]](#footnote-6) خودش را زیبا نشان می‌دهد این استعمالات هم در قرآن کم نیست که زینت و تزیین به خود شیء وصل است و یک امر منضم نیست امام می‌فرماید ذراعین من الزینة عرض کردیم حتی سؤال به‌تنهایی هم مورد استشهاد می‌تواند قرار بگیرد و اینکه امام به‌صراحت تمام می‌فرماید نعم.

سؤال: می‌شود جور دربیاید همین‌طور که به انسان النگو می‌زنند زُیِنَ بها با اعمالش هم زُیِن بها

جواب: ولی این خود عمل است.

# احتمال سوم

احتمال سوم این است که بگوییم زینت هردو را می‌گیرد هم زینت‌های ظاهری و منصوبه که نسبت آن با متزین نسبت انضمامی مراد است و هم خود اعضا که مواضع زینت است و زینت بود آن‌ها واقعی است و انضمامی نیست و اتحادی است مشمول آیه است و علی‌القاعده این احتمال سوم درست است یعنی بگوییم جمع این‌ها در آیه قصد شده است.

## اولین شاهد

زینت مفهوم عامی دارد که هر دو را می‌گیرد. چون زینت ازلحاظ لغوی حتماً چیزی منضم به متزین نیست یا حتماً زینت متحد با زینت نیست بلکه زینت یعنی آنچه به شیء بها و جمالی می‌دهد و این ترکیب انضمامی الحاقی باشد یا این‌که ویژگی در خود آن مجموعه باشد بنابراین این وجه اول است که زینت مشترک معنوی است بین دو قسم الحاقی و اتحادی است و تبادرش یک مفهومی است که جامع است و هردو هم به نحو حقیقت مصداق آن است و در جامع داخل است.

## دومین شاهد

جمع بین این روایاتی که ملاحظه کردیم اقتضا می‌کند ولو این‌که ظهور اولیه نداشته باشد روایات دو طایفه بود یکی زینت را به ذراعین و اعضا سرایت داده بود در روایت فضیل و در مستدرک روایت دومی دارد که می‌فرماید:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ، وَ فِي رِوَايَةِ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع: «فِي قَوْلِهِ‏ **﴿وَ لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا ما ظَهَرَ مِنْها﴾** فَهِيَ الثِّيَابُ وَ الْكُحْلُ وَ الْخَاتَمُ وَ خِضَابُ الْكَفِّ وَ السِّوَارُ وَ الزِّينَةُ ثَلَاثٌ زِينَةٌ لِلنَّاسِ وَ زِينَةٌ لِلْمَحْرَمِ وَ زِينَةٌ لِلزَّوْجِ فَأَمَّا زِينَةُ النَّاسِ فَقَدْ ذَكَرْنَاهُ وَ أَمَّا زِينَةُ الْمَحْرَمِ‏ فَمَوْضِعُ الْقِلَادَةِ فَمَا فَوْقَهَاِ»‏.[[7]](#footnote-7)

بنابراین دو روایت فضیل و ابی جارود می‌گوید اعضا زینت‌اند و در روایات دیگر که در مستدرک بود گفته بود زینت کحل است و ... در هیچ یک از این دو طایفه‌ای که تطبیق بر زینت ظاهری و زینت واقعی و خود عضو داده‌شده است حصری نیست این‌ها غیرقابل‌جمع نیستند در همان روایت معتبره هم می‌فرماید ذراعین زینت است امام می‌فرماید بله من الزینة می‌خواهد بگوید ذراعین هم مشمول مفهوم زینت است بنابراین حصری در این دو طایفه نیست و لذا باید این دو طایفه را باهم دید و اگر در ظهور اولیه و معنای حقیقی وجه مشترک تبادر نکند میگوییم زینت اینجا این را هم می‌گیرد . جمع این دو طایفه تعارضی ندارند چون حصری نیست تفصیل لغوی و مفهومی در روایت نشده و تطبیق داده‌شده است و لذا هم بر این و هم بر آن تطبیق داده‌شده است و قابل‌جمع است و با این برکت روایات میگوییم هردو مقصود است.

به نظر می‌آید جمع این دو امر درستی است اما این‌که چطور جمع شده‌اند چند توجیه متصوراست کیفیت اراده دو معنا دو قسم از زینت از واژه زینت در روایات را می‌شود به چند شکل تفسیر کرد:

1. به نحو مشترک معنوی که بگوییم زینت معنای عام دارد که هردو را شامل می‌شود
2. مشترک لفظی است زینت یک‌بار برای زینت‌های منصوبه وضع‌شده است و یک‌بار برای زینت‌هایی که اتحاد با خود عضو دارد وضع‌شده است و خود عضو مقصود است استعمال لفظ در اکثر از معنا جایز است ولی شاهد می‌خواهد که شاهد آن روایات است.
3. حقیقت معنای ظاهری است منتها در معنای مجازی استعمال شده است و معنای مجازی آن اعضا است به علاقه نصب و مجاورت بین زینت و موضع زینت است و استعمال لفظ در معنای حقیقی و مجازی است به برکت روایات در دو معنای که یکی حقیقی است و یکی مجازی است.

این سه احتمال برای این است که بگوییم خود واژه زینت درآن‌واحد و در عرض هم دو معنا را می‌گیرد هم النگو و انگشتر را می‌گیرد و هم خود عضو را می‌گیرد در یک استعمال به نحو مشترک معنوی یا مشترک لفظی بین دو معنای حقیقی یا استعمال در دو معنای حقیقی و مجازی به نحو دلالت مطابقی است.

1. این است که بگوییم به نحو دلالت التزامی است استعمال زینت در معنای زینت منصوب‌هاست ولی بالملازمه موضع زینت را هم می‌گیرد و نمی‌توان گفت خود زینت را می‌توانی ببینی ولی موضع زینت را نمی‌توانی ببینی. این‌یک تلازم عقلی و عرفی دارد یک مقداری عقلی است یک مقداری عرفی است.

تصویر دقیق‌تری هم دارد که جلسه بعد عرض می‌کنم.

1. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج20، ص201، أبواب أبواب مقدّمات النكاح وآدابه، باب09، ح3، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/20/201/الظاهرة) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج20، ص201، أبواب أبواب مقدّمات النكاح وآدابه، باب09، ح3، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/20/201/الظاهرة) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج20، ص201، أبواب أبواب مقدّمات النكاح وآدابه، باب109، ح4، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/20/201/والمسكة) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج20، ص200، أبواب أبواب مقدّمات النكاح وآدابه، باب109، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/20/200/الذراعين) [↑](#footnote-ref-4)
5. سوره صافات، آیه 6. [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره توبه، آیه37. [↑](#footnote-ref-6)
7. [مستدرك الوسائل، المحدّث النوري، ج14، ص275.](http://lib.eshia.ir/11015/14/275/وخضاب) [↑](#footnote-ref-7)